



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

انتظار ۱۳



شرایط ظهور

موسسه پژوهش‌های

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتظار ۱۲: شرایط ظهور

نویسنده:

مهدی یوسفیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	انتظار ۱۲: شرایط ظهور
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست مطالب
۱۱	مقدمه ناشر
۱۲	فصل اول: کلیات
۱۲	اشاره
۱۳	مقدمه
۱۴	ضرورت بحث
۱۸	تعریف
۲۱	فواید و آثار بحث
۲۲	فصل دوم: بررسی شرایط ظهور
۲۲	اشاره
۲۳	مقدمه
۲۵	رهبر
۳۲	طرح و برنامه
۳۴	یاران
۳۴	اشاره
۳۴	جایگاه یاران
۳۷	صفات یاران
۳۷	یاران مهدی در یک نگاه
۳۷	اشاره
۳۸	۱. معرفت عمیق به خدا و امام خویش

۳۸	۲. اطاعت کامل
۳۹	۳. عبادت و صلابت
۳۹	۴. جان نثاری و شهادت طلبی
۴۰	۵. شجاعت و دلیری
۴۱	۶. صبر و بردباری
۴۱	۷. اتحاد و همدلی
۴۲	۸. زهد و پارسایی
۴۳	معرفت لازم
۴۸	مراحل یاری
۴۹	تعداد یاران
۵۱	آمادگی و پذیرش مردمی
۵۸	پرسش و پاسخ
۹۲	درباره مرکز

انتظار ۱۲: شرایط ظهور

مشخصات کتاب

یوسفیان، مهدی، ۱۳۴۹ _

انتظار ۱۲ [دوازده]، شرایط ظهور/ مولف مهدی یوسفیان. _ قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)؛ مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۹.

۸۴ ص.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۹۰-۳ ریال: ۱۰۰۰۰

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. مهدویت _ انتظار _ احادیث ۲. آخرالزمان _ احادیث ۳. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم _ ۲۵۵ ق _ یاوران. ۴. مهدویت _ پرسش و پاسخ الف. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج). ب. مرکز تخصصی مهدویت. ج. عنوان، د. عنوان: انتظار ۱۲ [دوازده]، شرایط ظهور.

۹ الف ی / ۴ / ۲۲۴ / ۲۹۷ / ۲۴۶۲ BP

۱۳۸۹

ص: ۱

اشاره

انتظار «۱۲»

شرایط ظهور

مهدی یوسفیان

ص: ۲

شرایط ظهور (انتظار ۱۲)

مؤلف / مهدی یوسفیان

ویراستار / محمد رضا مجیری

ناشر / بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

صفحه آرا / عباس فریدی

چاپ / کمال الملک

نوبت چاپ / سوم، تابستان ۹۰

شمارگان / پنج هزار نسخه

بها / ۱۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان

ص. پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ / فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / تلفن: ۴-۸۸۹۹۸۶۰۱ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.

پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI۳۱۳.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۳-۹۰-۷۴۲۸-۹۶۴-۹۷۸

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات ۵

مقدمه ۶

ضرورت بحث ۷

تعریف ۱۱

فواید و آثار بحث ۱۴

فصل دوم: بررسی شرایط ظهور ۱۵

مقدمه ۱۶

رهبر ۱۸

طرح و برنامه ۲۵

یاران ۲۷

جایگاه یاران ۲۷

صفات یاران ۳۰

یاران مهدی در یک نگاه ۳۰

۱. معرفت عمیق به خدا و امام خویش ۳۱

۲. اطاعت کامل ۳۱

۳. عبادت و صلابت ۳۲

۴. جان نثاری و شهادت طلبی ۳۲

۵. شجاعت و دلیری ۳۳

۶. صبر و بردباری ۳۴

۷. اتحاد و همدلی ۳۴

۸. زهد و پارسایی ۳۵

معرفت لازم ۳۶

مراحل یاری ۴۱

تعداد یاران ۴۲

آمادگی و پذیرش مردمی ۴۴

پرسش و پاسخ ۵۱

مقدمه ناشر

اندیشه مهدویت، پاسخگوی کامل و جامع به خواسته و نیاز دیرین انسان ها در اصلاح وضعیت نابسامان زندگی بشری است.

مهدویت نه فقط برای فردای مبهم بشریت، روشنی و زیبایی عرضه می کند که امروز بشر نیز در گرو فهم و معرفت به این موضوع است. و نشناختن امام و راه، اهداف و جایگاه امام و وظایف ما در قبال او، همان زندگی جاهلی است که مرگ جاهلی را در پی دارد و روایات بسیاری به آن پرداخته اند.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام به همت پژوهشگران مرکز تخصصی مهدویت، در ادعای این مهم، مجموعه ای را به نام «انتظار» فراهم آورده تا به تبیین مباحث و موضوعات مختلف فرهنگ مهدویت به صورت مختصر و با حجمی اندک پردازد. و در کنار فصلنامه علمی تخصصی انتظار که ویژه پژوهشگران و متخصصان است؛ رهنمون عموم علاقمندان گردد.

مرکز تخصصی مهدویت

ص: ۵

فصل اول: کلیات

اشاره

هزاران سال از خلقت انسان می گذرد؛ آفریده ای که خداوند هنگام آفریدنش بر خود آفرین گفت؛ «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (۱). او که با دمیدن نفخه الهی در کام وجودش، نشئه ای دیگر از عالم وجود را تجربه کرد؛ «ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (۲)، تا موجودی خداگونه شود و مقام «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (۳) و مرتبه بلند «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (۴) را به خود اختصاص دهد، او توانست با عظمتی که در درونش به ودیعه گذاشته شد، خلیفه خداوند گردد؛ «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (۵) و مسجود فرشتگان شود؛ «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ» (۶).

۱- مؤنون: ۱۴.

۲- مؤنون: ۱۴

۳- نجم: ۹

۴- قمر: ۵۵

۵- بقره: ۳۰

۶- بقره: ۳۴

اما چه روی داده و چه بر انسان گذشته است که کلام فرشتگان در پرسش از خداوند را در زندگی خود می بیند که:

«أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ»؛

آیا کسی را در آن قرار می دهی که فساد و خونریزی کند؟! (۱)

آیا انسان برای چنین زندگانی ای خلق شده است؟ آیا گذران عمرش باید این گونه باشد؟ چگونه است وقتی دفتر تاریخ بشر را ورق می زنیم، جز خطوط نورانی اندکی که با تلاش انبیا و اوصیا برای نجات بشر، نوشته شده است بقیه سطور چنان تاریک و ظلمانی است که دل هر خواننده را به درد آورده و چشم هر بیننده را گریان می کند. به راستی، تا چه زمانی باید این خطوط سیاه، کتاب تاریخ زندگی بشر را پلید و کثیف کند؟ خدایا! چه هنگام آنچه زیننده مقام انسانی است، برایش جامعه بشری رقم می خورد و در صفحه حیاتش، ترسیم می شود؟

ضرورت بحث

تأمل در نهاد آدمی و درک لطایف و

ویژگی های نفس و درون او، روشن می کند که چرا انسان، برترین مخلوقات و شاهکار جهان آفرینش معرفی شده است. او موجودی عدالت خواه و حق جو است که هر جا با حقیقت وجود انسانی اش ظهور پیدا کرده، این حقیقت، نمود یافته و آشکار شده است. روحیه ایثار و گذشت، تعاون و همیاری، از صفات زیبای او است. در کنار این حالات ملکوتی و فرامادی، آنچه قابل دقت است این که انسان، زیبایی و صفای زندگی و لذت از بودن را وقتی معنا یافته می داند که شیرینی وجود و زندگی کردن، به کام همه انسان ها طعم پیدا کند و همگان آن را بچشند.

او طراوت و لطافت را زمانی ترجمه شده می بیند که محیط پیرامونش را شادابی فرا گرفته باشد. نشستن زیر درخت، کنار جوی آب روان و زلال، زمانی بر جان انسان گوارا می آید که چشم انداز نگاهش را درخت و سبزه، کوه های سر به فلک کشیده و امواج بی قرار دریا پر کرده باشد؛ اما اگر به هر طرف نگاه کند، جز زباله و ویرانی نبیند و هوا از بوی تعفن آکنده باشد، آیا چنین منظره ای،

لذت دیدن دارد و زیر چنین درختی، صفای نشستن معنا می یابد؟

آیا روزی فرا خواهد رسید که صحنه های جنگ و غارت، انفجارها و ویرانی ها پایان یابد؟ آیا زمانی خواهد شد که دیگر پدر، شب هنگام و موقع برگشت به خانه، سرافکننده و شرمسار از دست خالی و عدم توان تدارک قوت زندگی نباشد؟ به راستی آیا صبحی فرا می رسد که شعاعهای پر حرارت و زندگی بخش خورشید، به همه خانه ها و دل ها لبخند بنشانند؟

به جرأت می توان گفت میل فطری انسان ها به حق طلبی و اجرای عدالت از یک سو، و وجود ظلم و ستم های فراوانی که به دلیل هوا و هوس و منفعت طلبی و شیطان پرستی عده ای، در جامعه پدید آمده و می آید از سوی دیگر، مردمان را در جستجوی مصلح و منجی بی قرار کرده است؛ زیرا وقتی آنان اجرای عدالت را در توان خود ندیدند، بر آن شدند که به پشتوانه کمک الهی و با حاکمیت مردی آسمانی، به این مهم نایل شوند. این، یکی از حکمت هایی است که روشن می کند چرا انبیای الهی و اوصیای

بزرگوارشان، نوید ظهور چنین بزرگ مردی را به مردم داده اند. اعتقاد به آمدن مصلح؛ ریشه در اعماق تاریخ و ادیان دارد. دین مقدس اسلام به ویژه مکتب تشیع نیز در باره ظهور این راد مرد الهی سخنان فراوانی دارد.

میل فطری عدالت خواهی در آدمیان و وجود احادیث مهدویت در مجموعه بزرگ معارف دینی، باعث شد مردم از همان صدر اسلام، به وجود مقدس مصلح کل، حساسیت ویژه پیدا کرده و به شناخت بیشتری از زوایای زندگی و ظهور او پردازند؛ چرا که سخن از مهدی سخن از بزرگ مردی است که با ظهورش دامن ظلم برچیده شده و زمین، روی آرامش به خود می بیند و با اجرای عدالت، توسط او دیگر جایی برای زورمندان و زراندوزان نخواهد بود.

و روشن است با وجود آن که این رویداد بزرگ، آرزوی دیرینه جامعه بشری است، در این میان، شیطان صفتانی نیز وجود دارند که راحتی و بقای خود را در عدم تحقق این پدیده دانسته و برای جلوگیری از وقوع یا به تأخیر انداختن آن، دست به هر اقدامی می زنند و از هر نیرنگ و دسیسه ای استفاده

می کنند، تا وضعیت و شرایط در جامعه به گونه ای رقم بخورد که اهداف آنان را تأمین کرده و حاکمیتشان را تثبیت کند. در کنار این گروه، افراد سودجویی نیز یافت می شوند که برای رسیدن به منافع مادی و به سبب افزون طلبی، به دنبال آنند که با فریب مردم، خود را مهدی موعود معرفی کنند، تا بتواند با همراهی برخی افراد جاهل، ایامی چند به ارضای شهوات مادی خود پردازند.

اکنون جای این سؤال است که با وجود این گونه افراد، چگونه می توان خود را برای ظهور آماده کرد و از حيله دشمنان رهایی یافت؟ آیا تحقق انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام شرایط خاصی دارد؟ آیا برای پیدایش آن، نشانه و علامتی وجود دارد؟ با توجه به مخفی بودن زمان ظهور و وجود مخالفان و سودجویان، آیا مردم دچار حیرت و سرگردانی نمی شوند؟ اینجا است که بحث شرایط ظهور، جایگاه ویژه ای می یابد و ما در این نوشتار به بررسی این بحث می پردازیم.

تعریف

ابتدا لازم است تعریف روشنی از موضوع

بحث ارائه شود.

شرایط به معنای سبب‌ها و زمینه‌ها، به اموری گفته می‌شود که تحقق مطلوب و مشروط، به وجود آن‌ها بستگی دارد و بدون تحقق اینها، مشروط به وجود نمی‌آید. یعنی یک نوع رابطه علی و معلولی میان آنها برقرار است؛ مثلاً برای آنکه محصول خوبی در تابستان برداشت شود لازم است شرایط آن مانند بذر سالم، آب مناسب، حرارت و تابش خورشید، کود کافی و سم‌پاشی به موقع فراهم شود، و یا دانش‌آموز برای آنکه نمره خوبی در پایان سال بگیرد و از جایزه برخوردار گردد باید در طول سال زحمت بکشد و به درستی درس بخواند. طبیعی است که در صورت عدم تحقق شرایط، نه کشاورز باید منتظر برداشت محصول مناسب باشد و نه دانش‌آموز باید در انتظار گرفتن نمره خوب و جایزه باشد.

بر این اساس، مراد از شرایط ظهور، آن دسته از اموری هستند که تحقق ظهور، وابسته به وجود آن‌هاست و تا آن‌ها محقق نشوند، ظهور نیز واقع نخواهد شد.

اینک مناسب است به تعریف علایم ظهور نیز

اشاره شود، تا تفاوت آن با شرایط روشن شود.

علایم، به معنای نشانه‌ها، به اموری گفته می‌شود که نمایانگر مقصود و مطلوب می‌باشند. مراد از علایم ظهور، آن دسته از حوادثی است که بر اساس بیان پیشوایان معصوم علیه السلام، قبل یا در آستانه ظهور واقع خواهد شد و تحقق هر کدام نزدیک شدن قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نوید می‌دهد.

با توجه به بیان فوق، می‌توان تفاوت‌های علایم و شرایط ظهور را چنین برشمرد:

۱. علایم، فقط کاشف از پدیده ظهورند؛ ولی شرایط محقق ظهورند؛ از این رو علایم، در پیدایش مطلوب، نقشی ندارند به خلاف شرایط که در پیدایش مشروط، دارای تأثیرند؛

۲. لازم نیست علایم در یک زمان جمع باشند، بلکه ممکن است یکی پس از دیگری تحقق یابند؛ ولی شرایط باید در یک زمان جمع باشند، تا پدیده ظهور تحقق عینی یابد؛

۳. علایم، از بین رفتنی است؛ ولی شرایط، پایدار و باقی است؛

۴. علایم، قابل شناخت بوده و معمولاً به وجود آن می‌توان پی برد (زیرا خاصیت نشانه

بودن این است)؛ ولی تحقق شرایط چندان قابل شناخت نیست و نمی توان به وجود آن آگاهی حتمی و کامل داشت (که آیا همه شرایط محقق شده است یا نه)؛

۵. ممکن است بعضی علایم موجود نشود و پدیده ظهور تحقق یابد، ولی شرایط، حتماً باید موجود شوند.

فواید و آثار بحث

اگر آدمی بداند که ظهور منجی، شرایطی دارد و واقعاً مشتاق ظهورش باشد، حتماً به دنبال آن خواهد رفت که شرایط ظهور را در حدّ توان فراهم کند؛ زیرا می داند که تحقق مشروط وابسته به تحقق شرط است و تا شرط نباشد، مشروط نخواهد بود. پس فایده دانستن شرایط ظهور آن است که انسان ها را برای فراهم کردن شرایط به تلاش و جنبش وا می دارد.

از آنچه گذشت اهمیت شرایط در مقایسه با علایم نیز روشن می شود؛ زیرا ظهور، وابسته به تحقق شرایط است نه علایم؛ پس باید شرایط فراهم گردد تا ظهور ممکن شود.

فصل دوم: بررسی شرایط ظهور

اشاره

با درنگی کوتاه در جهان و محیط پیرامون خود، به روشنی درمی یابیم که جهان هستی، عالم اسباب و مسببات بوده و تحقق هر پدیده، شرایطی دارد. این حقیقت، در سراسر گیتی قابل مشاهده بوده است؛ لذا دانشمندان را بر آن داشته که به کشف عوامل و زمینه‌های پدیده‌ها بپردازند. نه تنها انسان‌های درس خوانده و باسواد، زندگانی خود را بر اساس آن برنامه ریزی و مدیریت می‌کنند؛ بلکه افراد کم سواد یا بی سواد نیز این واقعیت را می‌دانند و بر پایه آن، امور زندگی خود را تنظیم می‌نمایند. در قرآن کریم و روایات نیز به این حقیقت اشاره شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ؛ (۱) خداوند از اینکه امور از طریق غیر عادی انجام شود ابا دارد.

طبق این بیان نورانی، باوجود آنکه همه امور به دست خدا است؛ خداوند نیز با توجه به اسباب و شرایط امور، آن‌ها را تدبیر می‌کند.

انقلاب‌ها و قیام‌هایی که در طول تاریخ شکل گرفته و جوامع را تحت تأثیر قرار داده‌اند نیز از شمول این قاعده خارج نیستند. بازخوانی انواع انقلاب‌ها و دقت در چگونگی پیدایش و تثبیت آن‌ها، گواه بر این مطلب است که این تحولات اجتماعی با تکیه بر شرایط به پیروزی رسیده‌اند؛ مانند انقلاب اسلامی ایران که اگر رهبری امام خمینی رحمه الله نبود، هرگز چنین انقلابی به وقوع نمی‌پیوست.

انقلاب جهانی بزرگ منجی عالم بشریت نیز مانند سایر انقلاب‌ها دارای شرایطی است که با تحقق آنها، ظهور آن مرد بزرگ امکان‌پذیر خواهد بود. اندیشوران اسلامی با تأمل در پدیده انقلاب و با توجه به بیانات بزرگان دین، چهار

شرط برای انقلاب اسلامی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر کرده اند که به بررسی آن ها می پردازیم.

تذکر مهم: بیان این نکته لازم است که قیام امام مهدی علیه السلام از سویی آسمانی و از سویی نیز انسانی و مربوط به جامعه بشری است؛ لذا برخی شرایط، توسط خداوند باید محقق شود و برخی دیگر به وسیله انسان ها باید فراهم آید. با تأمل در مباحث آینده، روشن می شود دو شرط ابتدایی، الهی بوده و از طرف خداوند موجود می شود و دو شرط دیگر، مربوط به انسان ها است که باید برای تحقق آن ها تلاش کنند.

رهبر

از شروط اصلی و اساسی برای یک قیام و انقلاب تأثیر گذار و سازنده، وجود رهبر و پیشوایی آگاه، توانمند و دلسوز است، تا با آشنایی کاملی که از برنامه و هدف و زمینه ها و موانع دارد، با مدیریتی صحیح و قاطع، حرکت و خیزش را به درستی هدایت کرده و به سرانجام مطلوب برساند.

آگاهی رهبر امور گوناگونی را در بر می گیرد:

الف. باید اهداف و آرمان های انقلاب را به درستی بشناسد و بهترین برنامه و طرح را برای تحقق قیام و تثبیت آن بداند؛

ب. لازم است اطلاع کاملی از استعدادها و امکانات موجود داشته باشد و بداند چگونه آن ها را به کار گیرد؛

ج. باید از وضعیت جامعه، درک صحیحی داشته باشد، تا بداند بهترین زمان برای جنبش چه هنگامی است؛

د. باید بتواند با انتخاب بهترین برنامه، علاوه بر آن که توانمندی های موجود را به خدمت می گیرد، امکانات لازم را نیز فراهم آورد؛

ه. باید بتواند با تدوین طرحی مناسب، جامعه را برای ایجاد انقلاب آماده کند؛

و. باید بتواند در مواقع حساس، با قاطعیت تصمیم گرفته و به اجرا گذارد. طبیعی است که شک و تردید هنگام تصمیم گیری، آهنگ حرکت را کند یا متوقف می کند؛

ز. باید در میدان عمل، شجاع بوده و از انواع ترندها و تقابل های مخالفان نهراسد و استوار و مقاوم، نهضت را به پیش ببرد؛

ح. نباید به سبب وجود پیشامدهای ناگوار

و مشکلات بر سر راه انقلاب، دلسرد و مأیوس شود؛

ط. باید انقلاب را برای مردم و نجات آنان بخواهد و برایشان حاضر به هر گونه فداکاری و گذشت باشد.

این ویژگی ها، از شرایط عمومی رهبر یک قیام است.

اگر قرار شد قیام و خیزش، حرکتی الهی و جهاد در راه خدا باشد، لازم است فرمانده جنبش و رهبر انقلاب، از سوی خداوند انتخاب شده (بدون واسطه و یا با واسطه) و مورد تأیید او باشد، تا عنوان قیامش، جهاد در راه خدا قلمداد شده، آنچه بر مردم از حوادث گوناگون مانند کشته شدن، جراحت و سایر آسیب ها واقع می شود، اجر و ثواب الهی را به همراه داشته باشد، علاوه بر آن شخص رهبر نیز مورد تأیید و امدادهای خاص الهی قرار گرفته و از الطاف و راهنمایی ها و الهامات ربّانی برخوردار شود.

بیان قرآن در بازگویی داستان بنی اسرائیل و درخواست آنان برای مبارزه، شاهد مناسبی برای این مطلب است. ابتدا آیات را مرور می کنیم:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعِيدِ مُوسَىٰ إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ إِنَّ إِلَهَنَا لَأَلَّا تَقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ* وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛

آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی که به پیامبر خود گفتند: «زمامدار [و فرماندهی] برای ما انتخاب کن، تا [زیر فرمان او] در راه خدا پیکار کنیم». پیامبر آن‌ها گفت: «شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، [سربچی کنید، و] در راه خدا، جهاد و پیکار نکنید.» گفتند: «چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم؛ در حالی که از خانه‌ها و فرزندانمان رانده شده‌ایم، [و شهرهای ما به وسیله دشمن اشغال، و فرزندان ما اسیر شده‌اند]؟!» اما هنگامی که دستور پیکار به آن‌ها داده شد، جز عده کمی از آنان،

همه سرپیچی کردند. و خداوند از ستمکاران، آگاه است.* و پیامبرشان به آن‌ها گفت: «خداوند، طالوت را برای زمامداری شما مبعوث [و انتخاب] کرده است». گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم و او ثروت زیادی ندارد؟!». گفت: «خدا او را بر شما برگزیده و او را در علم و [قدرت] جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد و احسان خداوند، وسیع است و [از لیاقت افراد برای منصب‌ها] آگاه است». (۱)

از این آیات شریف، نکات مهمی استفاده می‌شود از جمله:

الف. برای قیام و جهاد نیاز به رهبر است: «إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّنَا لَنْ نَجِدَ لَهُمْ لِقَاءَ اللَّهِ»

ب. اگر قیام و مبارزه بخواهد عنوان جهاد فی سبیل الله داشته باشد، باید رهبر آن آسمانی و مورد تأیید خداوند باشد. شاهد بر این مطلب، اولاً- درخواست بنی اسرائیل از پیامبرشان برای انتخاب فرمانده است: «إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّنَا لَنْ نَجِدَ لَهُمْ لِقَاءَ اللَّهِ» و ثانیاً کلام پیامبرشان است:

«قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ» که استناد انتخاب فرماندهی را به خداوند داد.

ج. شرایط رهبر که پشتوانه الهی دارد: «زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»

قیام بزرگ نهایی و آخرین انقلاب که نجات کل بشریت را همراه داشته و آزادی و زیبایی را با اصلاحات بنیادین برای همه انسان ها به ارمغان خواهد آورد، نیز دارای این شرط است. بسیار روشن است که رهبر چنین قیامی، باید صفات و ویژگی ها را در حدّ کمال و تمام داشته باشد. رهبر این حرکت عظیم و جنبش بزرگ جهانی، مصلح کلّ و منجی عالم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ شخصیتی که فرزند ولایت بوده و در دامان امامت پرورش یافته است. آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم بوده و به سرچشمه وحی متصل است. بر اساس فرمایش پیامبر در حدیث ثقلین، همراه و شریک قرآن بوده و به همه آموزه های قرآن و معارف دین، احاطه کامل دارد. میراث دار علوم انبیای گذشته بوده و مورد تأیید الهی است. او نزدیک به هزار و دویست سال است

که عمر پر برکت خویش را میان مردم گذرانده و ملت ها، دولت ها، حرکت ها و قیام های مختلف را به نظاره نشسته است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

المهدی من ولدی... یملاها (الارض) قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً؛

مهدی فرزند من است.... زمین را پر از عدل و داد کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده است. (۱)

در حدیث لوح آمده است:

ثُمَّ أَكْمِلُ ذَلِكَ بِإِثْنِهِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ؛

سپس کامل می کنم سلسله اوصیاء را به وجود فرزندش که رحمت بر عالمیان است؛ کسی که کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب را دارا است». (۲)

همچنین امام باقر علیه السلام فرمود:

الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنُّصْرِ؛

قائم ما به ترس در دل دشمنان، یاری شده و به یاری حق، تایید شده است». (۳)

این شرط قیام، فراهم و آماده است؛ زیرا

۱- کمال الدین، ج ۱، ب ۲۵، ح ۴

۲- کمال الدین، ج ۱، ب ۲۸، ح ۲

۳- کمال الدین، ج ۱، ب ۳۲، ح ۱۶

به اعتقاد شیعه، وجود مقدس امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۵۵ ه.ق به دنیا آمده است؛ بنابراین ما یک قدم به ظهور نزدیک شده ایم.

طرح و برنامه

هر جنبش و خیزشی که برای درهم شکستن وضع موجود جامعه و برقراری وضع مطلوب، اعلام موجودیت می کند، به دو گونه طرح و برنامه نیاز دارد: ۱. بهترین شیوه برای نابودی نابهنجاری و زشتی های موجود. ۲. قانونی مناسب و کامل برای حرکت رو به رشد جامعه و تحقق هنجارها و ارزش ها و رسیدن به وضعیت آرمانی. اگر اجرای هر یک از طرح و برنامه های فوق نیازمند مقدماتی باشد، باید فراهم آید. قیام جهانی حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف هم نیازمند چنین شرطی است. برنامه ای جامع و کامل برای مبارزه با سوداگران پلیدی ها و زشتی ها؛ به گونه ای که به فتح همه سنگرهای ظلم و فساد و انهدام کامل آن ها بینجامد و در ورای آن، با قانون صحیح و جامع، بهترین روش زندگی برای مردم رقم بخورد و

انسان ها با اجرای آن، از جامعه مطلوب در رفاه و امنیت برخوردار شوند. این شرط نیز در باره قیام حضرت مهدی (عج) فراهم است. خداوند بزرگ و مهربان، با علم و حکمت و قدرت بی نهایت خود و با آشنایی کامل از حالات و واقعیات درون انسان، با توجه به ابعاد روحی، جسمی، فردی و اجتماعی او، برنامه ای جامع و مناسب تدوین کرده و تحت نام دین اسلام و کتاب قرآن، بر پیامبر خود نازل کرده است. این برنامه که با توجه به تمام ابعاد وجودی آدمی تهیه شد و در اختیار پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفته بود، توسط حضرت مهدی علیه السلام اجرا می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«سُنَّتُهُ سُنَّتِي يَقِيْمُ النَّاسَ عَلٰی مِلَّتِيْ وَ شَرِيْعَتِيْ وَ يَدْعُوْهُمْ اِلٰى كِتَابِ رَبِّيْ عَزَّوَجَلَّ؛ سیرت و سنت او سیرت و سنت من است. مردم را بر دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می کند. (۱)

در تفسیر عیاشی ذیل آیه «و قاتلوا المشرکین کافه» از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

تأویل این آیه هنوز نیامده است؛ وقتی قائم ما قیام می کند، کسی که او را درک

می کند، تأویل آیه را می بیند، هر آینه دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به هر جا که شب برسد، می رساند تا شرکی روی زمین نباشد. (۱)

بنابر این با تحقق دومین شرط، ما دو گام به ظهور نزدیک شده ایم.

یاران

اشاره

یکی از شرایط مهم برای پیروزی و به ثمر نشستن یک خیزش و انقلاب، وجود یاران و فدائیان جان بر کف است. در باره جایگاه یاران در تحقق انقلاب، لازم است به اختصار به چند بحث اشاره شود.

جایگاه یاران

یاران انقلاب، جایگاه خاصی در تحقق هر انقلابی، به ویژه انقلاب های الهی دارند. اینک جایگاه بلند یاران را در یک حرکت آسمانی، با توجه به قرآن و روایات مرور می کنیم. حضرت موسی علیه السلام در همان ابتدای حرکت برای انجام رسالت، از خداوند تقاضای یاور کرد:

«وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي هَارُونَ أَخِي اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي»؛

نیز وقتی سخن از مهاجرت به مدینه شد، ابتدا در پیمان عقبه از گروهی از اهل یثرب که آنجا شرکت داشتند، عهد وفاداری و یاری گرفت.

به راستی چرا امام علی علیه السلام که در رشادت و شجاعت، هم‌آورد و هم‌تا نداشت، خانه نشین شد؟ بزرگ مردی که در جنگ احد، جبرئیل در شأن او چنین نغمه سرایی کرد:

لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی» (۱).

بزرگ پهلوانی که در جنگ خندق با کشتن جنگاوران شجاعی مانند عمرو بن عبدود و در جنگ خیبر با کشتن مرحب خیبری و فتح قلعه عظیم خیبر و پیروزی-های فراوانی که برای مسلمانان به ارمغان آورد، خانه نشین شد؟ مگر داستان صلح امام حسن علیه السلام را که به دلیل جدایی یاوران از او و تنها گذاشتن وی، بر آن بزرگوار تحمیل شد، می توان فراموش کرد؟ چقدر عبرت آموز است سخن بزرگ بانوی جهان اسلام، حضرت زینب کبرا علیها السلام که در شب عاشورا به برادرش عرض کرد: «حسین جان! آیا یاران را آزموده ای که

فردا تو را تنها نگذارند؟»

صفات یاران

یاران واقعی رهبر و انقلاب، دارای صفات و ویژگی های مهمی هستند؛ از جمله:

الف. از امام و رهبر خود، آگاهی لازم را داشته باشند و به او معتقد بوده و ولایت او را با همه وجود بپذیرند. با برنامه ها و اهداف قیام، آشنا بوده و به آن ها اعتقاد داشته باشند.

ب. برای فعلیت بخشیدن به خواست و اراده رهبر و اجرایی کردن برنامه ها، آماده هرگونه تلاش و جانفشانی بوده و با تمام وجود به یاری رهبرشان همت گمارند و در این راه، از هیچ کوششی دریغ نورزند.

ج. آنان نیز همچون رهبر، باید انقلاب را برای نجات و آزادی مردم بخواهند، نه کسب موقعیت و ثروت. مردم را دوست داشته باشند و آسایش آنان را بر راحتی خود مقدم بدانند.

یاران مهدی در یک نگاه

اشاره

با توجه به روایات، می توان ویژگی ها و صفات یاران را چنین برشمرد:

۱. معرفت عمیق به خدا و امام خویش

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«در قلوب آنان (یاران مهدی عج) شکی به ذات خدا نیست». (۱)

چنان به خداوند معرفت دارند که ذره‌ای تردید و شک در آنان راه ندارد.

در روایتی از امام سجاد علیه السلام در باره با صفات منتظران زمان غیبت نقل شده است:

«آنان کسانی هستند که به امامت آن بزرگوار اعتقاد دارند». (۲)

این اعتقاد، برخاسته از عقل و درک است. حضرت، در ادامه می فرماید:

خداوند متعال، عقل و فهم و معرفتی به آنان داده است که غیبت نزد آنان، به منزله مشاهده است.

۲. اطاعت کامل

نتیجه معرفت صحیح، اطاعت همه جانبه از امام است. از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲

۲- کمال الدین، ج ۱، ب ۳۱، ح ۲

«اطاعت آنان از امام، از فرمان برداری کنیز در برابر مولایش بیشتر است». (۱)

۳. عبادت و صلابت

آنان که از پیشوای خود الگو گرفته اند، روزها و شب‌ها را با یاد شیرین حق و مناجات با او سپری می‌کنند. امام صادق علیه السلام درباره آنان فرمود:

«شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند». (۲)

و این یاد حق، در همه حالات آنان تجلی دارد.

همین ذکر دایمی و همیشگی خدا است که از آنان، مردانی آهنین می‌سازد که هیچ چیز صلابت و استواری آنان را درهم نمی‌شکند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«آنان، مردانی هستند که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است». (۳)

۴. جان‌نثاری و شهادت‌طلبی

معرفت عمیق به خدا و امام، نگاه آنان را به زندگی و حقیقت‌انسانیت، تنظیم می‌کند و

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲

۲- یوم الخلاص، ص ۲۲۴

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲

شناخت صحیحی از هدف زندگی و وظیفه یک انسان به آنان می دهد. آنان در می یابند که برای کسب کمال، زندگی می کنند و می فهمند که راه تحصیل کمال، آن است که همه وجود شان برای خدا و دین خدا باشد؛ از این رو حاضر به هر نوع فداکاری و ایثارند. امام صادق علیه السلام فرمود:

[یاران مهدی علیه السلام] در میدان رزم، گرد او می گردند و با جان خود، از او محافظت می کنند. (۱)

آنان که خدا و امام را شناختند، نهایت آرزوی شان، شهادت در راه خدا و در رکاب امام است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«آنان آرزو می کنند در راه خدا به شهادت برسند». (۲)

۵. شجاعت و دلیری

یاران مهدی علیه السلام مانند مولایشان، افرادی شجاع و مردانی پولادین هستند که از هیچ چیز جز خدا هراس ندارند. امام علی علیه السلام در وصف آنان فرمود:

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲

«همه آنان، شیرانی هستند که از بیشه بیرون شده اند و اگر اراده کنند، کوه ها را از جا می کنند».^(۱)

۶. صبر و بردباری

مبارزه برضد ظلم جهانی و تلاش برای برقراری عدالت، با رنج و مشقت های فراوان همراه است. یاوران امام، در راه تحقق آرمان-های جهانی امام مهدی علیه السلام همه ناگواری ها را به جان می خرنند؛ ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را ناچیز می-شمارند. امام علی علیه السلام می فرماید:

آنان، گروهی هستند که به سبب صبر و بردباری در راه خدا، بر خداوند منت نمی گذارند و از این که جان خویش را تقدیم حضرت حق می کنند، به خود نمی بالند و آن را بزرگ نمی شمارند.^(۲)

۷. اتحاد و همدلی

آنان، خودخواهی ها و خواسته های شخصی را از خود دور کرده اند. همه چیز را برای هدف واحد می خواهند و زیر یک پرچم به قیام می پردازند. امام علی علیه السلام می-فرماید:

«ایشان، یکدل و هماهنگ هستند».^(۳)

۱- یوم الخلاص، ص ۲۲۴

۲- یوم الخلاص، ص ۲۲۴

۳- یوم الخلاص، ص ۲۲۳

۸. زهد و پارسایی

امام علی علیه السلام در وصف یاران مهدی علیه السلام فرموده است:

«او، از یارانش بیعت می گیرد که طلا و نقره ای نیندوزند و گندم و جویی ذخیره نکنند. (۱)»

آنان، اهداف بلندی دارند و برای آرمانی بزرگ برخاسته اند؛ لذا مادیات و دنیا نباید آنان را از هدف باز دارد؛ بنابراین کسانی که با دیدن زرق و برق دنیا، چشم هایشان خیره شده و دل هایشان می لرزد، میان یاوران امام، جایی ندارند. البته نباید فراموش کرد که این حالات و ویژگی ها، یک باره در انسان متجلی نمی شود و آدمی، به آن ها متّصف نمی شود؛ بلکه باید سال ها برای تحصیل آن ها تلاش کند؛ از این رو، یاران مهدی علیه السلام در دوران غیبت، به سازندگی مشغول می شوند.

یاور مهدی علیه السلام در همه حال پیرو امام خود است و اطاعت از او را، سر لوحه زندگی خود قرار می دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

۱- منتخب الاثر، فصل ۶، ب ۱۱، ح ۴

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَأْتُمُّ بِهِ؛

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند، در حالی که پیش از قیامش، به او اقتدا کرده و از او پیروی نماید». (۱)

روشن است که بدون یار و یاور نباید منتظر حرکت و اقدامی بود، هر چند برنامه و رهبر آماده باشد. (۲)

معرفت لازم

در ادامه بحث، لازم است با توجه به روایات، به نکته مهمی اشاره کنیم.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: «فدایت شوم، به خدا قسم! من، شما و هر کس دوستدار شما است را دوست دارم. ای سرورم! چقدر شیعه شما زیاد است» امام فرمود: «آنان چه مقدارند؟» گفتم: «بسیار زیاد». امام فرمود: «می توانی آنان را بشماری؟» گفتم: «تعدادشان بیشتر از اینها

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹

۲- برای آگاهی بیشتر ر.ک: نصرت الله آیتی، فصل نامه انتظار موعود، ش ۳، سال ۱۳۸۱.

است». امام فرمود:

أَمَّا لَوْ كَمَلْتِ الْعِدَّةَ الْمَوْصُوفَةَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَبَضَعَهُ عَشْرَ كَأَنَّ الَّذِي تُرِيدُونَ؛

آگاه باش هر گاه آن عده وصف شده که سیصد و ده نفر و اندی هستند، شمارشان کامل شود، آنچه شما می خواهید، خواهد شد. (۱)

امام، در ادامه روایت به بیان صفات شیعه می پردازد.

سدير صيرفي مي گويد: بر امام صادق عليه السلام داخل شدم و گفتم: «به خدا سوگند! اکنون زمان نشستن شما نیست [بلکه باید قیام کنید]». امام فرمود: «چرا ای سدير؟» گفتم: «به سبب فراوانی دوستداران، پیروان و یاوران شما. به خدا سوگند! اگر امیرالمؤمنین علیه السلام به اندازه شما پیرو و یاور و دوستدار داشت، هرگز تیم [طایفه ابوبکر] و عدی [طایفه عمر] در [خلافت] او طمع نمی کردند». (۲) امام فرمود: «چقدر هستند؟» سدير پاسخ داد: «صد هزار نفر». امام فرمود: «صد هزار؟»

۱- غیبت نعمانی، باب ۱۲، ح ۴

۲- هر دو طایفه از قبیله قریش هستند (قریش قبیله بزرگی بود که از طوایف متعددی تشکیل شده بود).

سدیر عرض کرد: «بله و بلکه دویست هزار». امام فرمود: «دویست هزار؟» سدیر عرض کرد: «بله و نصف دنیا». امام سکوت کرد و از من خواست با او به خارج مدینه رفتیم. به جوانی چوپان نگاه کرد و فرمود: به خدا قسم اگر برای من، شیعیانی به تعداد این بزغاله ها بود، مجال نشستن نداشتم [بلکه قیام می کردم]». سدیر می گوید: «آن ها را شمردم؛ هفده عدد شد. (۱) یاوران واقعی امام، انسان های وارسته ای هستند که عقاید استوار داشته و سرپرستی امام معصوم علیه السلام را ناشی از ولایت خدا بر موجودات می دانند و چیزی را بر امر امام خود مقدم نمی دانند. سعادت را در گرو رضای او یافته اند. از خود در برابر اراده معصوم علیه السلام تدبیری ارائه نمی دهند و در کار او چون و چرا نمی کنند. سهل بن حسن خراسانی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «چه چیز شما را واداشته تا آن که از حق مسلم خویش [حکومت] باز بنشینید؟ در حالی که صد هزار شیعه پا در رکاب و شمشیرزن در اختیار شما است؟» امام صادق علیه السلام دستور داد تنور آتش را روشن

کنند. وقتی شعله آتش برافروخته شد، حضرت به او دستور داد وارد تنور شود. او که گمان کرده بود امام علیه السلام از سخنانش غضبناک شده و قصد مجازاتش را دارد، عرض می کند: «آقا! مرا ببخشید و به آتش عذابم نکنید». در همین وقت، هارون مکی در حالی که کفش هایش را به دست گرفته بود؛ وارد می شود و خدمت امام خویش سلام عرض می کند. حضرت بدون هیچ مقدمه ای به او می فرماید: «کفش هایت را بگذار و درون تنور بنشین». هارون مکی نیز بدون هیچ گونه درنگ و پرسشی، این کار را انجام می دهد. امام علیه السلام در این حال به گفت و شنود خود با مرد خراسانی ادامه می دهد و مطالبی را درباره خراسان به او می فرماید که گویی از نزدیک در جریان آن ها بوده است. پس از آن، رو به سهل بن حسن خراسانی کرده و می فرماید: «برخیز و داخل تنور را بنگر». او می گوید: «هنگامی که به درون آتش در حال زبانه کشیدن نگاه کردم، هارون را در حالی دیدم که چهار زانو نشسته بود». در این وقت امام صادق علیه السلام از مرد خراسانی می پرسد: «در

خراسان، چه تعداد مثل این شخص می شناسی؟» سهل در پاسخ می گوید: «به خدا قسم! یک نفر هم این گونه نداریم». حضرت فرمود: «آگاه باش! ما زمانی که پنج تن یاور و کمک کار پیدا نکنیم، قیام نمی کنیم. ما آگاه تریم که وقت قیام چه زمان است. (۱) طبق این روایت، افرادی، لایق و شایسته یاری امام هستند که به دستور امام همانند دستور خدا توجه کرده و اطاعت از آن را به نصّ قرآن واجب می دانند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۲).

آنان پیش از آن که دشواری امر مولایشان در نظرشان جلوه کند، مقام قدسی و بلند او، نظرشان را جلب می کند و هرگز به زمین ماندن فرمان مولای خویش راضی نمی شوند.

با نگاهی گذرا به تاریخ، به خوبی می توان نقش و جایگاه یاوران را در حرکت ها و خیزش ها دریافت. به راستی چرا غیبت به وجود آمد؟ اگر مردم دست از یاری اهل بیت بر نمی داشتند و آنان را تنها نمی گذاشتند، آیا

۱- بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳ - ۱۲۴

۲- نساء: ۵۹

از فیض ظهور امام بی بهره می ماندیم؟

مناسب است با توجه به روایت ها، به این نکته اشاره کنیم که همان گونه که عدم همراهی، باعث خانه نشینی شده و غیبت ساز بود، همراهی و یآوری نیز، ظهور آفرین خواهد شد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز برای قیام خود، یاور می خواهد. همراهانی فداکار و جان بر کف، درد آشنا و ایثارگر. یاورانی که تاب تحمل سختی ها و شداید را دارند و تحت هیچ شرایطی، امام خود را تنها نمی گذارند.

مراحل یاری

یاران، در سه مرحله فعالیت کرده و به وظیفه یآوری امام و رهبر خود اهتمام می ورزند:

۱. پیش از قیام: در این مرحله، یاران با حضور میان مردم و تبلیغات مناسب، آنان را از وضعیت نامطلوب موجود آگاه کرده و با معرفی امام از یک سو و زیبایی های دوران انقلاب از سوی دیگر، آنان را برای پذیرش رهبر و خیزش در راستای اهداف او آماده می کنند.

۲. هنگام قیام: یاران با حضور فعال در

جریان قیام، سعی می کنند حرکت مردم را کنترل کرده و با جهت دهی مناسب، آن را هماهنگ با اهداف انقلاب پیش ببرند.

۳. پس از قیام: آنان با تلاشی خستگی ناپذیر، برای تحقق اهداف انقلاب فعالیت می کنند.

تعداد یاران

زمانی که یاوران آماده بودند و خداوند اذن داد، ظهور، صورت می پذیرد. امام جواد علیه السلام ضمن حدیثی فرمود:

اجْتَمَعَ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقْصَى الْأَرْضِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» فَأِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَأِذَا كَمَّلَ لَهُ الْعَقْدَ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛

به سوی او اجتماع می کنند به تعداد اهل بدر، ۳۱۳ نفر از اطراف زمین و این، معنای قول خدا است که «هر کجا باشید، خدا شما را می آورد، همگی را؛ به درستی که خدا بر هر کاری قدرت دارد». هنگامی که برای

او این عده از اهل اخلاص جمع شد، خدا امر او را ظاهر می کند؛ زمانی که برای او عقد کامل شد و آن، گروه ده هزار نفری است، به اذن خدا خروج می کند. (۱)

از این روایت می توان استفاده کرد یاران حضرت را سه گروه تشکیل می دهند:

۱. یاوران ویژه که ۳۱۳ نفرند و با اجتماع آنان، ظهور به اذن خدا واقع می شود.

۲. یاورانی که حدود ده هزار نفرند و با اجتماع آنان، قیام و خروج به اذن خدا صورت می گیرد.

۳. یاورانی که در طول قیام، به صفوف سربازان حضرت ملحق می شوند.

این شرط، از شرایطی است که توسط انسان ها باید محقق شود. اکنون جای این سؤال است که آیا یاوران حضرت فراهم شده-اند؟ آیا گروهی از انسان ها با ایجاد ویژگی ها و صفات یاران در جان خویش، خود را برای یاری و همراهی امام آماده کرده اند؟

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ب ۳۷، ح ۲

آمادگی و پذیرش مردمی

یکی دیگر از شرایط بسیار مهم برای تحقّق و پیروزی یک قیام و انقلاب، پذیرش مردمی است. باید مردم آن را بخواهند و بپذیرند و در غیر این صورت، اگر بهترین برنامه را برگزیده و شخص منتخب خداوند با یارانی بی نظیر و از جان گذشته بخواهند در جامعه پیاده کنند، ولی مردم آن را پذیرا نباشند، قطعاً به انجام نخواهد رسید. فاجعه خونبار کربلا، شاهدی بر این مدعا است. رهبر قیام، سید و سالار جوانان بهشت امام حسین علیه السلام بود و برنامه او، مبتنی بر وحی و قرآن و سیره پیامبر گرامی اسلام پایه ریزی شده بود. یارانی همچون ابوالفضل العباس و حبیب بن مظاهر بر گرد او جمع شده بودند؛ ولی چون مردم آن را نپذیرفتند به پیروزی ظاهری و تشکیل حکومت در جامعه منتهی نشد (هر چند وظیفه الهی امام حسین علیه السلام حرکت و قیام بود و به برکت آن فداکاری، حقیقت دین اسلام میان مردم باقی ماند و نابود نشد).

جایگاه بلند این شرط و اهمیت آن، بدان جهت است که خداوند انسان ها را آزاد آفرید و به آنان حق انتخاب داد و ایشان را

بر

سرنوشتشان مسلط و حاکم کرد، تا سرنوشت خویش را آن گونه که می خواهند، رقم زنند و هر حرکت و چرخشی را که بخواهند، در مسیر زندگی خود ایجاد کنند:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»

به درستی که خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملتی] را تغییر نمی دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند».

(۱)

این تغییر و دگرگونی، می تواند به تباهی و هلاکت منتهی شود؛ همانند قوم ثمود. وقتی عده ای تصمیم به پی کردن شتر حضرت صالح علیه السلام گرفتند و شتر را کشتند، قوم نیز این کار را پسندید و با این عمل جهت گیری خود را مشخص کرد. اینان با این چرخش اجتماعی خود، انتخاب شومی انجام دادند و سرنوشت بدی را که عذاب الهی بود، برای خود رقم زدند.

نیز این دگرگونی می تواند به سعادت و نیک بختی بیانجامد و عاقبت خوشی را به ارمغان آورد؛ همانند قوم یونس علیه السلام. هرچند آنان در ابتدا با آن حضرت مخالفت کردند و دست

رد به سینه وی زده و پیامبریش را انکار کردند و بدین سبب، عذاب الهی را برای خود خریدند ولی چون خود را در محاصره عذاب الهی دیدند؛ دست به توبه برداشتند و واقعاً با همه وجود به خدا رجوع کردند و با این انتخاب صحیح عذاب را از خود دور نموده و رحمت الهی را شامل حال خود کردند.

به بیان دیگر، در جهان هستی، قوانین پایدار و سنت های الهی حاکم است. با رجوع به قرآن به روشنی دیده می شود این سنت ها در جوامع انسانی با چگونگی اختیار و انتخاب انسان، عجین و همراه است. برای مثال، یکی از سنت های الهی، کمک و یاری به انسان ها است. خداوند، این امداد رسانی و نصرت را به تلاش افراد و ایجاد زمینه مشروط کرده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبْ أَقْدَامَكُمْ»

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر [آیین] خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می دارد». (۱)

از دیگر سنت های الهی، پاداش برابر میزان کار و فعالیت آدمی است. آیات متعددی به این سنت الهی اشاره دارند؛ از جمله:

«وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛

و اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست». (۱)

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛

و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن ها می گشودیم؛

ولی [آنها حق را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم». (۲)

اگر حکومت اسلامی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه ایجاد شد، از آن جهت بود که مردم یثرب آن را خواستند و روزها انتظار مقدم مبارک پیامبر را کشیدند، تا آن یگانه دوران و رحمت واسعه الهی، شهر مدینه را به نور خود روشن کرد و حاکمیت الهی را اعلام نمود.

اگر عطر عدالت حکومت علوی در فضای جامعه اسلامی، جانهای آدمیان را سرمست بوی خوش خود کرد بدان سبب بود که مردم، امام علی (ع) را بر دیگران ترجیح دادند و ولایت و حاکمیت او را به جان خریدند و پس

از قتل عثمان، به گرد خانه او اجتماع کردند و رهبری او را خواستار شدند.

و اگر ما نیز به دنبال تحقق حکومت مهدوی هستیم، تا در پناه آن، به بالاترین درجات رشد و کمال دست یابیم، باید او را بر دیگران ترجیح دهیم و با تمام وجود برای استقرار حکومتش تلاش کنیم. آری؛ باید خود بخواهیم. این کلام گلایه مانند آن عزیزی است که غربت و تنهایی و مشکلات مردم، سینه او را تنگ کرده و هر لحظه، منتظر خواست و دعوت مردم است:

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَائِنَا؛ اگر شیعیان ما، که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر عهده دارند، همدل شوند، میمنت ملاقات ما به تأخیر نمی افتد [و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می شد]» (۱)

آری، سنت الهی بر این قرار گرفته است که تا مردم نخواهند و حرکت نکنند و آماده مبارزه با ظلم و پذیرش دولت حق نباشند،

خدا نیز آن را نخواهد داد.

خداوند، در قرآن در باره وقایع قوم بنی اسرائیل در سوره مائده، آیات ۲۱ تا ۲۶ نیز به این مطلب اشاره دارد. حضرت موسی علیه السلام به قومش گفت: «به این ارض مقدس داخل شوید»؛ ولی آنان گفتند: «ما حرکت نمی کنیم». تو و خدایت بروید و بجنگید و ما همین جا می مانیم و فقط نظاره گر خواهیم بود». حضرت شکایت آن ها را نزد خدا برد. خداوند نیز پاسخ داد: «پس به درستی که آن [سرزمین مقدس] ممنوع است بر آنان تا چهل سال، پیوسته در زمین سرگردان خواهند بود».

پس بر همه دوستداران و ارادتمندان است تا با تلاش و کوشش و برنامه ریزی مناسب، آمادگی برای ظهور آن بزرگ منجی را ایجاد کنند.

در پایان لازم است به این نکته اشاره شود که پذیرش مردمی، زمانی قابل اعتماد بوده و رهبر، می تواند به آن تکیه کند که اعلام آمادگی مردم، واقعی و بر اساس نیاز و معرفت باشد، نه از روی احساسات. به عبارت دیگر، مردم باید به اندازه ای از رشد و آگاهی برسند

که درک کنند ایده ها و ایسم های بشری و ساخته اندیشه و فکر محدود انسان ها، و حکومت هایی که بر پایه این ایدئولوژی ها به وجود می آیند نمی توانند بشر را از این گرداب تباهی نجات دهند؛ بلکه تنها در سایه حکومت و حاکمیت مرد آسمانی و پیشوای عادل الهی، انسان ها می توانند طعم زندگی خوب انسانی را به دست آورند.

البته برای تحقق یک انقلاب در جامعه، راه دیگری نیز وجود دارد و آن این که به قدری ظلم و ستم و فساد و تباهی در جامعه گسترش یابد که مردم به ستوه آمده و دیگر تاب تحمل وضعیت موجود را نداشته باشند. در این صورت نیز جامعه، آماده دگرگونی و تغییر است. برخی بر این باورند که آمادگی مردم برای ظهور منجی آخرین، در این بستر رقم می خورد؛ یعنی باید آن قدر ظلم و تباهی فراوان شود که دیگر مردم خسته شده و واقعا خواستار ظهور باشند.

خلاصه سخن: با توجه به چهار شرط ذکر شده، روشن می شود که دو شرط آن، مهیا و فراهم است و آن همان وجود برنامه و

است و دو شرط دیگر، باید آماده شود که وجود یاران و آمادگی عمومی است. این دو شرط، به تلاش و حرکت مردم و شیعیان وابسته است.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تُعْزِبُهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُنْذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَ أَهْلَهُ. (۱)

پرسش و پاسخ

در پایان، مناسب است به برخی پرسش هایی که در این زمینه مطرح است، پاسخ دهیم.

۱. با توجه به شرایط کنونی جهان، آیا زمینه ها و شرایط برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهیا است؟

بیان شد که برای تحقق امر فرج حضرت ولی عصر علیه السلام باید حدّ اقل چهار شرط فراهم باشد، تا خداوند اذن ظهور را صادر فرماید. دو شرط از شروط چهارگانه، تحقق یافته است. ۱. دین مقدس اسلام که در بر دارنده طرح و برنامه حرکتی امام زمان علیه السلام است، بر وجود مقدس پیامبر اعظم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد. ۲. وجود مقدس امام مهدی علیه السلام که رهبر

قیام بزرگ جهانی است، در سال ۲۵۵ ه. ق به دنیا آمده است.

اما تشخیص این که آیا سایر شرایط فراهم شده است و جهان، آماده پذیرش و ظهور حضرت هست یا نه، امری مشکل و به بیان دقیق تر، دور از دست رس علم بشری است. حقیقتاً، نمی دانیم جمع یاران امام زمان علیه السلام کامل شده است یا نه؟ ما در شرایط کنونی جهان، امیدوار به ظهور و نجات مظلومان هستیم؛ ولی نمی دانیم آیا مردم، به راستی، آمادگی پذیرش حضرت و عدل فراگیر او را دارند و در راه اعتلای دین و برقراری احکام نورانی آن، حاضر به همکاری و فداکاری هستند یا نه؟ به نظر می آید اظهار نظر قطعی در این زمینه، صحیح نباشد.

گفتنی است آنچه برای ما بسیار مهم و کاربردی است، شناخت وظیفه و حرکت صحیح در جاده انتظار است. ما باید کردار خود را اصلاح کنیم و در وفای به عهدی که با خدا بسته ایم، ثابت قدم باشیم. حضرت در نامه خود به شیخ مفید نوشته است:

اگر شیعیان ما، در اجتماع به وفای عهد خود پایدار باشند، ظهور، به تأخیر نمی افتد. (۱)

نیز برای ظهورش، دعای فراوان کنیم؛ چرا که خود حضرت فرمود: «فاكثرُوا الدعا بتعجيل الفرج؛ برای تعجيل فرج، بسيار دعا كنيد».

۲. دنيا و مردم، چه شرايطی بايد داشته باشند، تا امام زمان عليه السلام ظهور کند؟

شاید در يك جمله بتوان گفت که مردم بايد با همه وجود، خواستار و پذيرای منجی باشند. توضیح آن که:

الف. مردم بايد بفهمند که برپايی عدالت واقعی و امّیت برای همگان و ایجاد سعادت برای جامعه انسانی و نجات بشریت از تباهی، از عهده مکاتب و ایسم های بشری و حکومت-های غیر الهی خارج است و فقط در سایه دین و رهبری آسمانی، می توان صبح روشنی را برای بشریت به انتظار نشست.

ب. علاوه بر معرفت، مردم واقعاً بايد خواستار عدالت باشند و برای برپايی عدالت، تلاش و کوشش کنند. آنان بايد بدانند خداوند سرنوشت انسان ها را به نوع اختيارشان مرتبط

کرده و فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ به درستی که خداوند، آنچه را برای قومی است تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آنچه در خودشان است را تغییر دهند» (۱)

در ابتدای سوره مائده، آیات ۲۶-۲۰ به یکی از حوادث مربوط به قوم بنی اسرائیل در این باره اشاره می کند. وقتی حضرت موسی علیه السلام به بیان نعمات الهی پرداخت و به آنان فرمود: «خداوند ارض مقدس را برای شما نوشته است. بجنگید که به پیروزی می رسید». قوم او حاضر به تلاش و جنگ نشدند. حضرت موسی علیه السلام هم دعا کرد که: «خدایا! میان من و برادرم، با قوم فاسق، جدایی بینداز». خداوند هم فرمود: «چهل سال سکونت در این شهر برای آنان حرام شد».

بنابراین، مردم دنیا باید خواستار واقعی حضرت و عدالت گستری او باشند و حق و عدالت و بهره وری از منافع و مواهب دنیا را برای همه بخواهند و در راه مبارزه با ظلم و پیاده کردن عدالت، تا آخر بایستند. در این

صورت است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند.

۳. آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمدنی است یا آوردنی؟

پاسخ به این پرسش که تقدیر مهدوی و رهایی بشر از بن بست جهانی، آیا خارج از اختیار آدمی قرار دارد، یا آن که در حیطه اراده و جامعه انسانی است، منوط به پرسش از اراده انسانی و نقش آن در سرنوشت فردی و اجتماعی او است؛ به این معنا که آیا انسان در تعیین سرنوشت خود، دارای اختیار و آزادی است، یا نمی تواند دخالتی در آن داشته باشد؟ آنچه از متن دین درباره اختیار و اراده آدمی به دست می آید، این است که انسان، بی شک، در زندگی فردی و اجتماعی خود، اختیار دارد. خداوند می فرماید:

«ان الله لا یغیر بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم»؛

خداوند، سرنوشت قومی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان، آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.» (۱)

اراده الهی، با خواست انسان همراه است. البته شکی نیست که در فرایند رفتاری انسان، علم و آگاهی خود انسان به خوبی یا بدی

عمل، همین طور اختیارات دیگر انسان‌ها در جامعه، و همین طور مسایل خانوادگی و نوع تربیتی که در گذشته انسان، در باره او اعمال شده است، همه و همه، در نوع گزینش آدمی اثرگذار است؛ ولی در نهایت، این انسان است که پس از بررسی‌های اجمالی یا تفصیلی، و مطالعات ذهنی یا فطری و بالاخره با توجهی آگاهانه یا ناخودآگاهانه، در نهایت امر، دست به گزینش می‌زند و چیزی را انتخاب می‌کند.

حال که تا حدی معلوم شد نقش اراده انسانی در زندگی فردی یا جمعی او چیست، پاسخ به این پرسش نیز آسان خواهد بود که «آیا مهدویت را باید عینیت بخشید، یا باید دست روی دست گذاشته با انتظاری مخرب و ویرانگر، چشم به راه ماند، تا خود مسئله موعود، عینیت یابد؟». بر این مبنا، باید گفت امام زمان علیه السلام امامی آوردنی است؛ همان طور که امام زمان، حقیقتی آمدنی و ظهور یافتنی است؛ از این رو تا زمانی که شرایط برای جنبش جهانی فراهم نشود، او ظهور نخواهد کرد و در این میان، ما انسان‌ها مسؤولیت آدم‌سازی جنبش مهدوی را داریم، تا با کسب

معرفت امام و دوره مهدوی و با آگاهی دهی به جامعه انسانی، برای ایجاد بستر توحیدی لازم، اراده جمعی و فردی خود را به کار بگیریم (انتظار فعال). امام، آوردنی است؛ چرا که این بخش از مقدمات، بی شک در اختیار ما انسان ها نهاده شده است و بلکه از ما خواسته شده است در این جهت گام برداریم و هرگز از خود سستی نشان ندهیم، امّا با توجه به این که مسأله مهدویت در زندگی انسانی، براساس حکمت الهی نهادینه شده، و اختیار انسانی در آن نقشی ندارد عبارت، «امام، آمدنی است» این طور معنا می شود که پس از آن که تمام اراده های انسانی، دست به دست هم داد و از سر اضطرار و آمادگی، در جست-وجوی آن مهدی موعود برآمدند، آن گاه خدای متعال، براساس حکمت و مصلحت، اراده می فرماید و مسأله ظهور را رخصت می-دهد.

البته، شکی نیست که زمینه اذن ظهور از سوی خدای متعال، در اختیار انسان ها است؛ ولی اصل اذن الهی، از اختیار آدمی بیرون است و باید دعا و ندبه کرد، تا خدای متعال امر به ظهور را صادر کند. براساس سنّت

قرآنی، هر گاه اضطرار آدمی به نهایت خود رسید، بی تردید اجابت الهی به دنبال آن خواهد آمد.

۴. چرا امام زمان علیه السلام ظهور نمی-کند؟ آیا مانع عمدۀ ظهور، نبودن یاران صدیق است؟

همان گونه که یک رشته علل و عوامل، باعث غیبت شد و مردم از نعمت وجود امام ظاهر محروم شدند؛ همچنین ظهور امام نیز به تحقق زمینه ها و شرایط آن مشروط است و تا این شرایط، فراهم نشود، ظهوری نخواهد بود. یکی از شرایط عمدۀ، وجود یاورانی است که همراه امام، بار قیام را بر دوش بکشند و تا آخر، از همراهی و یاری رهبر خود دست برندارند و او را تنها نگذارند. سدید صیرفی در گفت و گویی با امام صادق علیه السلام درباره عدم قیام می گوید:

حضرت، مرا به خارج مدینه برد، تا آن که وقت نماز، در محلی پیاده شدیم. امام صادق علیه السلام به جوانی که در آن نزدیکی بز می چراند، نگاهی کرد و فرمود: «ای سدید! به خدا قسم! اگر پیروان من، به تعداد این بزها بودند، بر جای نمی نشستم [و قیام می کردم]. سدید گوید: «بعد

از تمام شدن نماز، حیوانات آن گله را شمردم و یافتم که عدد آن ها از هفده تجاوز نمی کند». (۱)

تحقق این شرط، لازم است؛ ولی کافی نیست، و باید زمینه های دیگر نیز فراهم شود. از جمله آن شرایط، قابلیت مردم برای پذیرش دولت حق است؛ به این معنا که عموم مردم و جامعه بشری (نه گروهی خاص و در منطقه-ای خاص) باید به درجه ای از معرفت برسند که دریابند حکومت ها و مکاتب ساخته بشر، جواب گوی نیاز مردم نیست و به وسیله این ها، سعادت و عدالت واقعی به بشر هدیه نمی شود.

خلاصه آن که مردم، خود باید ظهور عدالت را بخواهند و جهانیان را با زیبایی های دوران ظهور آشنا کنند و روحیه عدالت طلبی و ظلم ستیزی را در همه جا گسترش دهند. مرحوم خواجه نصیر طوسی، در کتاب تجرید الاعتقاد در بخش امامت، علت غیبت امام را کوتاهی مردم می داند؛ چرا که اعمال و کردار مردم، باعث شد امام از میان مردم برود؛ بنابراین باید مردم از راه غلطی که رفته اند، برگردند و امام را بخواهند، تا ظهور صورت گیرد.

از این رو، شیخ صدوق در مقدمه کتاب کمال الدین می گوید:

ظهور حجت های الهی در مقامات پیشوایی خود، بر سبیل امکان و تدبیر، نسبت به مردم زمان خودشان است. اگر حال (مردم) طوری باشد که امام بتواند تدبیر و رهبری اولیایش را بر عهده بگیرد - یعنی مردم حاضر باشند حرف او را بپذیرند و او بتواند اراده خدا را پیاده کند - ظهور آن حجت، لازم خواهد بود و اگر وضع به گونه ای باشد که امام نتواند تدبیر در رهبری اولیایش را بر عهده بگیرد و حکمت الهی، موجب پنهانی او شود و تدبیر نیز آن را اقتضا کند، خداوند او را در پشت پرده غیبت نهان می سازد، تا زمانی که وقت مناسب فرا رسد.

۵. هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایران اسلامی، در چه شرایط و موقعیت اجتماعی قرار دارد؟

با توجه به روایات، می توان شرایط ایران را تا حدودی این گونه ترسیم کرد: دانش و معارف دین اسلام و مکتب تشیع، از ایران و قم، به جهانیان صادر می شود؛ لذا موقعیت علمی ایران، ممتاز است و اصلی ترین مرکز

دین اهل بیت علیه السلام خواهد بود.

در روایتی از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل شده است:

به زودی کوفه، از مؤمنان خالی گشته و دانش، مانند ماری که در سوراخش پنهان می شود، از آن شهر رخت می بندد. سپس علم در شهری به نام قم ظاهر می شود. آن شهر، معدن علم و فضل می گردد [و از آن جا به سایر شهرها پخش می شود] به گونه ای که در زمین، جاهلی نسبت به دین باقی نمی ماند، حتی زنان در خانه ها.

این قضیه، نزدیک ظهور قائم علیه السلام واقع می شود... علم، از قم به سایر شهرها در شرق و غرب پخش می شود و حجّت بر جهانیان تمام می شود، به گونه ای که در تمام زمین، فردی پیدا نمی شود که دین و علم به او نرسیده باشد. بعد از آن، قائم علیه السلام قیام می کند و سبب انتقام خدا و غضب او بر بندگان [ظالم و معاند] می شود؛ زیرا خداوند، انتقام [و عذاب] بر بندگان روا نمی دارد، مگر وقتی که حجّت را انکار کنند. (۱)

خیزش و جنبشی بزرگ برای دعوت مردم به دین، در ایران روی می دهد. از امام کاظم علیه السلام

نقل شده است:

مردی از اهل قم، مردم را به سوی حق دعوت می‌کند. گروهی، دور او اجتماع می‌کنند که مانند پاره‌های آهن هستند و بادهای تند [حوادث] نمی‌تواند آنان را از جای برکند. از جنگ خسته نمی‌شوند و کناره‌گیری نمی‌کنند و بر خدا توکل می‌کنند. سرانجام، پیروزی برای متقین و پرهیزکاران است. (۱)

شاید این حرکت، همان حرکتی است که از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

گویا می‌بینم گروهی از مشرق زمین، خروج می‌کنند و طالب حق هستند؛ اما به آنان پاسخ داده نمی‌شود. مجدداً بر خواسته خود تأکید می‌کنند، ولی جواب نمی‌شنوند. پس چون چنین دیدند، شمشیرها را به دوش می‌کشند و در مقابل دشمن می‌ایستند، تا حق به آنان داده می‌شود؛ اما این بار قبول نمی‌کنند؛ بلکه قیام می‌کنند و [پرچم قیام را] نمی‌دهند مگر به صاحب شما [امام زمان]. (۲)

۶. انقلاب اسلامی ایران چه نقشی در

۱- بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۳۷

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳، ص ۱۱۶

امر قیام و ظهور امام مهدی علیه السلام دارد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

یخرج ناس من المشرق فیوطنون [یمهدون] للمهدی سلطانه؛

گروهی از مردم از طرف مشرق خروج میکنند پس برای مهدی علیه السلام حکومتش را آماده می کنند. (۱)

هر انقلاب و نهضتی برای رسیدن به اهداف عالی خود، به یک سری مقدمات و آمادگیهایی نیاز دارد و اساساً به ثمر رسیدن هر پدیده و حرکت اجتماعی، به زمینه سازی و برنامه ریزی قبلی احتیاج دارد. در غیر این صورت، آن رخداد و حرکت، یا شروع نمیشود یا به پایان و نتیجه مطلوب نمیرسد.

در این میان، روشن است هر چه آن انقلاب، بزرگ تر و گستره اش وسیع تر باشد، اهمیت آمادگی و مقدمه چینی برای آن، بیشتر است.

دعوت و قیام جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام نیز به زمینها و شرایطی نیاز دارد که بخشی از آن ها را افراد جامعه بشری مهیا میکنند.

اینجا است که یک حکومت و انقلاب

برخاسته از متن جامعه _ که مبتنی بر احیای ارزشهای فراموش شده است و در راستای اهداف و بلند حضرت بقیه الله الاعظم حرکت میکند _ میتواند زمینه را برای ظهور حضرت، در جهات مختلف، مانند آمادگی روحی و روانی، آمادگی جسمانی و نظامی، بالا بردن سطح معرفت و شناخت به امام زمان علیه السلام و ... آماده کند.

همان گونه که امام راحل، آن معمار بزرگ انقلاب و بنیان گذار این نظام الهی فرمود:

این کشوری که کشور ائمه هدی و کشور صاحب الزمان علیه السلام است، باید کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه دهد. قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را _ ان شاء الله _ به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان میگذرد، جلوگیری کند. (۱)

یا در جای دیگر می فرماید:

ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت، صدور انقلاب راستین و بیان

احکام محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان علیه السلام هموار می‌کنیم. (۱)

امام خمینی در بخشی دیگر، انقلاب ایران را شروع انقلاب مهدی میدانند:

انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم داری حضرت حجت علیه السلام است که خداوند، به همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. (۲)

مقام معظم رهبری نیز فرمود:

ما باید بدانیم که ظهور ولی عصر علیه السلام همان طوری که با این انقلاب ما، یک قدم نزدیک شد، با همین انقلاب ما باز هم می‌تواند نزدیکتر شود؛ یعنی همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند، می‌توانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر، و یک قدم دیگر، همین مردم خودشان را به امام زمان علیه السلام نزدیک تر کنند. (۳)

وی جایی دیگر، انقلاب را زمینه ساز

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۳۲

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۸

۳- خطبه نماز جمعه، ۶/۴/۵۹

حکومت مهدی علیه السلام میداند:

... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله ملت ایران برداشته شده است و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است. (۱)

مقام معظم رهبری، رابطه این دو انقلاب را به روشنی میفرماید:

انقلاب ما، در راه آن هدفی که امام زمان علیه السلام برای تأمین آن هدف مبعوث میشود و ظاهر میشود، یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ بوده [است]. اما اگر این گام بزرگ را برنمیداشتیم، یقیناً ظهور ولی عصر علیه السلام به عقب میافتاد. شما مردم ایران و مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیده‌اید، بدانید و شما ای امام بزرگوار امت! _ بدانید که بهتر از ما می دانید _ شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سر منزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر علیه السلام شدید. شما، یک قدم این بار را به منزل نزدیکتر کردید. با این انقلاب، مانع را _ که همان دستگاه و نظام پلید در این گوشه دنیا بود و سرطان بسیار خطرناک و مودی و آزار دهنده‌ای

بود _ این را کنید و قلع و قمع کردید. خوب، حالا بعد از این چه کنیم؟ بعد از این، تکلیف ما روشن است. (۱)

آری؛ انقلاب اسلامی ایران، همچنان که برخاسته از اعتقاد به امامت است، زمینه ساز قیام و حکومت امام مهدی علیه السلام نیز است.

۷. آیا در عصر نزدیک به ظهور، همه مردم از دین فاصله می گیرند، یا این که بیشتر به طرف دین، می آیند؟

در عصر نزدیک به ظهور، اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه و مردم را می توان چنین ترسیم کرد: ظلم، در جامعه فراگیر می شود. البته نه به این معنا که همه، ظالم و فاسد باشند؛ بلکه صاحبان ثروت و قدرت که حیات خود را در فرو دست کردن مردم می دانند، از هر وسیله و راهی استفاده می کنند، تا بر مردم سیطره یابند و از منافع جهان، بیشتر به نفع خود بهره ببرند؛ از این رو، به استعمار و استثمار روی می آورند. یکی از راهبردها، گسترش فساد است؛ چرا که مردمی که در شهوات غوطه می خورند، دیگر روحیه ظلم ستیزی را از دست می دهند و چه بسا اصلاً

ظلمی احساس نکنند.

انسان های پاک و وارسته که نجات نهایی مردم را در آمادگی مردم و ظهور منجی می دانند، فعالیت و مجاهدت بیشتری در دو ناحیه می کنند: ۱. پالایش درونی خود تا برای یاری آماده باشند؛ چرا که منتظران مصلح، خود باید صالح باشند. ۲. اطلاع رسانی به عموم مردم درباره جنایت های صاحبان زر و زور و توجه دادن مردم برای آمادگی برای ظهور.

بنابراین می توان گفت عده ای از مردم، به نهایت درجه ظلم و فساد می رسند و عده ای دیگر، به اوج تقوا و دین رسیده و عموم مردم را متوجه مصلح و منجی می کنند و قابلیت پذیرش مصلح را ایجاد می کنند.

۸. با توجه به این که امام زمان ظهور نمی کند، مگر این که جهان پر از ظلم شود، آیا این روایت با دعوت انسان ها به آماده سازی شرایط فرج، منافات ندارد؟ اگر جهان باید پر از ظلم شود، تا ظهور کند، پس آماده سازی شرایط چه معنا دارد؟

این گونه سؤالات در یک نقطه، اشتراک

دارند و آن، این است که بین فراوانی ظلم و ستم با ظهور امام زمان، رابطه ای تمام وجود دارد؛ به گونه ای که ظهور، زمانی است که ظلم و ستم فراگیر شده باشد. پس هر چه ظلم، بیشتر شود، ظهور نزدیک تر می شود؛ لذا حق طلبی و اصلاح، امری بر خلاف ظهور و جریان مخالف فرج امام زمان علیه السلام است؛ در حالی که فراوانی ظلم و ستم، نه یکی از علایم ظهور است (با توجه به روایات علایم ظهور) و نه یکی از شرایط آن (با توجه به بحث شرایط ظهور)؛ بلکه از ویژگی های دوران آخرالزمان و غیبت امام زمان علیه السلام است. نهایت حرفی که می توان زد، این است که ظهور امام زمان علیه السلام با فراگیری ظلم و ستم، مقارن است؛ بنابراین، شرط قرار دادن ظلم برای ظهور، امر صحیحی نیست. برای درک کامل مطلب، توجه به چند نکته لازم است:

الف. در این که بین سرنوشت انسان ها و اعمال اختیاری آنان رابطه است، هیچ تردیدی نیست. هم آدمی وجود این رابطه را در زندگی خود مشاهده می کند و هم در قرآن کریم بر این مطلب تاکید شده است. قرآن، هم آینده

هر شخص را در دست خودش می‌داند «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (۱) و هم سرنوشت جامعه را با خواست و عملکرد مردم پیوند زده است «إِنَّ اللَّهَ لَمَّا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (۲) یعنی تعیین سرنوشت جامعه، به خوبی یا بدی، در دست مردمان آن جامعه است. اسلام، از انسان می‌خواهد درباره مسائل اجتماعی ساکت نباشد و برابر ظلم و ستم، تا برقراری عدالت بایستد و حَتَّىٰ در این راه، به پیکار و مبارزه برخیزد:

«أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ، الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ» (۳)

اسلام، کوتاهی در این زمینه را نمی‌پذیرد و انسان را مؤاخذه می‌کند:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (۴)

بر همین اساس، امر به معروف و نهی از منکر، از واجبات دین شمرده شده است و خداوند به اجرای این دو فریضه بزرگ، امر کرده است:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ

۱- نجم: ۳۹

۲- رعد: ۱۱

۳- حج: ۳۹-۴۰

۴- نساء: ۷۵

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (۱)

ب. به طور کلی، هیچ گاه یک آموزه دین نمی تواند برخلاف سایر آموزه های دین باشد و گرنه این خود، نشانه باطل بودن آن دین است؛ لذا یکی از ویژگی های قرآن، عدم اختلاف در آن است. معنا ندارد که خداوند در آیات متعدد، مردم را امر به توبه و ترک گناه بکند و جایی دیگر، برای تحقق وعده خدا (ظهور حق و حجت خدا) امر به گناه شود. دینی که به توحید و یکتاپرستی فرا می خواند، معنا ندارد که بخشی از آن، شرک را تأیید کرده و بپذیرد.

ج. پرشدن زمین از ظلم و ستم، هرگز به معنای آن نیست که همه افراد باید اهل ظلم و فساد باشند و همه اعمال و کردارشان بر اساس ظلم و ستم بر یک دیگر و افساد جامعه باشد؛ بلکه ممکن است عده ای ظلم کنند و ظلم آنان، نقاط فراوانی از زمین را بگیرد و همه جا گسترده شود. آیا برای آن که یک اتاق، مملو از دود سیگار شود، باید همه افراد داخل اتاق سیگار بکشند؟ در زمان حاکمیت فرعون، ظلم و بی عدالتی فراوان بود و خداوند در آیات

متعدد قرآن، به آن اشاره دارد؛ ولی در فرمایش قرآن این نیست که همه ظالم بودند؛ بلکه ظلم زیاد بود. علاوه بر این؛ فراگیری ظلم، امری نسبی و کنایی است و مراد از آن، شیوع ظلم است، به گونه ای که جریان عدالت به چشم نمی آید، نه این که هیچ عدالتی نباشد.

د. در این که قیام حضرت، بدون یار و یاور تحقق پذیر نیست، نباید تردید کرد. آیات و روایات نیز به وجود یاوران اشاره دارد. یاری -کردن، یعنی حرکت برای اجرای برنامه ها و اهداف انقلاب و تبلیغات آن ها میان مردم. یاوران، مردم را با انقلاب آشنا و همراه می-کنند و در حین انقلاب، انواع فداکاری ها را انجام می دهند و بعد از انقلاب، از هیچ تلاشی فروگذاری نمی کنند. چنین افرادی وقتی می توانند موفق باشند که خود را هم رنگ انقلاب و رهبر کرده باشند، تا مردم جلوه های انقلاب را در رفتار آنان ببینند و بپذیرند. آیا حرکت در مسیر گناه و ظلم، مردم را به طرف امام زمان علیه السلام سوق می دهد؟ بر همین اساس، خداوند، بر ایمان و عمل صالح تکیه دارد:

ما، در زبور، بعد از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان صالح من ارث می برند». (۱)

جای دیگر می گوید:

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند وعده داده است، که خلافت زمین را به آنان واگذارد.... (۲)

شرط تحقق انقلاب مهدی علیه السلام این است که ایمان و عمل صالح در پرونده افراد باشد

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«دعوت کننده مردم باشید به غیر زبانتان». (۳)

همچنین فرمودند:

«برای ما زینت باشید نه مایه آبروریزی». (۴)

آیا گناه و ظلم، دعوت به مهدی است و مایه زینت و افتخار امامان علیه السلام؟

ه). وظیفه انسان، حرکت به سوی کمال و کسب آن، از طریق عبودیت و بندگی است. عبودیت و بندگی نیز جز در پرتو عمل به تکالیف الهی که وظایف فردی و اجتماعی انسان را در بردارد، امکان پذیر نیست. خداوند

۱- انبیا: ۱۰۵

۲- نور: ۵۵

۳- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۳

۴- بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۱

در سوره عصر می فرماید:

«إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛

تنها کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند و هم دیگر را سفارش به حق و راستی بکنند، از خسران و ضرر به دورند.

خداوند، از انسان می خواهد در گناه نماند و به سوی او رجوع کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا»؛

ای کسانی که ایمان آوردید! توبه کنید همگی؛ توبه ای خالص. (۱)

کوتاه سخن آن که خداوند انسان را در تعیین سرنوشت خود و جامعه، دارای تأثیر می داند و از او می خواهد برای اصلاح گام بردارد و خسته نشود و در چنین نگرشی، وعده ظهور را مطرح می کند. بنابراین انتظار منجی، به معنای صحیح آن، نه سکوت و تن دادن به ظلم است و نه کمک به فراگیر شدن ظلم؛ بلکه باید خواستار ظهور باشد و در این راه، تمام تلاش خود را به کار گیرد و اگر در این مسیر، نیاز به تشکیلات و حکومتی است که حرکت برای

زمینه سازی را سامان دهد، برای تشکیل آن اقدام کند. طبیعی است که ظالمان و مفسدان نیز بی کار نخواهند نشست و به مقابله بر می خیزند؛ لذا جبهه ظلم، در نهایت درجه ظلم حرکت می کند و جبهه حق، به اوج تلاش می رسد. این زمان است که خداوند به مدد انسان های حق طلب می آید و با ظهور مهدی عزیز علیه السلام کار ظالمان را یک-سره می کند.

۹. مراد از گسترش و فراگیر شدن ظلم در آخرالزمان و قبل از ظهور چیست؟

در باره مفهوم و چیستی فراگیری ظلم و ستم، دو دید گاه اصلی و مهم مطرح است:

الف. فراگیری ظلم و ستم، به معنای غالبیت است. طبق این دید گاه، در آستانه ظهور، ظلم و ستم در جهان غالب شده و چهره جهان، چهره ظلم و ستم خواهد بود که در کنار غالبیت ظلم و ستم، صلاح و رستگاری نیز میان مردم مطرح است. نکته قابل ذکر اینکه در روایات، به فراگیری ظلم و ستم خبر داده شده است، نه فراگیری ظالم و ستمگر. با این نگاه، اگر در جهان، یک ظالم باشد و از او، ظلم های متعدد و متنوع سرزند و بقیه مردم،

مظلوم و ستم‌دیده باشند، باز مصداق «ملت ظلماً و جوراً» تحقق خواهد یافت.

ب. فراگیری ظلم و ستم، به معنای ظالم و فاسد بودن عموم مردم است. طبق این دیدگاه، فراگیری ظلم و تباهی در جهان به این معنا است که جهان یکپارچه، پر از ظلم و ستم خواهد شد و مردم، همگی اهل فساد و ستم می‌باشند و دیگر از صلاح و رستگاری خبری نیست.

البته دیدگاه صحیح، همان دیدگاه اول است که توضیح آن در جواب سؤالات دیگر روشن شده است. اکنون این نکته قابل ذکر است که با مراجعه به احادیث و روایات مهدویت، این مطلب به خوبی روشن می‌شود که در هیچ یک از آن‌ها، فراگیری ظلم و ستم به عنوان شرطی از شرایط ظهور دانسته نشده است. بلکه فراگیری ظلم و ستم در واقع به نوعی نهایت آمادگی و احساس نیاز شدید مردم به منجی را همراه دارد.

۱۰. حضرت علی علیه السلام هنگام قبول خلافت، فرمود: «علت قبول خلافت از طرف من، عهد و مسؤولیتی است که خدا از علما و دانشمندان

گرفته است که برابر شکمبارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان و بیچارگان سکوت نکنند. و اینک مردم اطراف مرا گرفته و اصرار به قبول آن دارند». پس چرا اکنون که مردم این همه استغاثه می کنند و فریاد سر می دهند: «مهدی بیا! مهدی بیا!» و ظلم و جور در جهان بیداد می کند و فقر، گریبان گیر ملت ها شده است، حضرت نمی آید؟

با بررسی روایات، این مطلب روشن می شود که بین فساد و ظلم، با ظهور امام زمان علیه السلام ارتباط خاصی نیست، تا با زیاد شدن ظلم و فساد، امر ظهور تحقق پیدا کند؛ بلکه تنها ارتباطی که بین ظلم و ظهور است، این که در زمان ظهور، ظلم و ستم جامعه انسانی را فرا گرفته است؛ لذا در روایات متعدد، ظهور حضرت و عدالت فراگیر او، با این بیان مورد توجه و اشاره قرار گرفته است که «زمین را پر از عدل و داد می کند؛ همان گونه که پر از ظلم و ستم شده بود»، نه این که شرط ظهور یا نشانه ظهور، گسترش ظلم و ستم باشد؛ بلکه آن چه در ظهور حضرت مهدی علیه السلام دخالت دارد، آن است که زمینه های ظهور فراهم باشد و

مردم قابلیت پذیرش حضرت و اطاعت امر او را داشته باشند.

باید توجه داشت که اگر امام علی علیه السلام هنگام قبول خلافت، آن کلام بلند را فرمود و خلافت را پذیرفت، بدان سبب بود که مردم آمادگی پذیرش را اعلام کردند و حجت بر امام تمام شد؛ ولی تاریخ نشان داد که مردم واقعاً، آمادگی پذیرش را نداشتند؛ لذا حضرت پس از حکومتی حدوداً پنج ساله، در مسجد کوفه به شهادت رسید. شهادت حضرت، ضایعه بسیار بزرگ و غیر قابل جبرانی برای جامعه بشریت بود؛ ولی هم راه امامت به دست امام حسن و سایر امامان علیه السلام ادامه یافت و هم وظیفه امام علی علیه السلام آن نبود که با قیامی جهانی، عدالت را فراگیر کند. وظیفه هر امام، از سوی خداوند با توجه به زمان و محیط و مردم تعیین شده است. امام مهدی علیه السلام آخرین امام است و وظیفه آن حضرت، فراگیر کردن عدالت و اسلام در سرتاسر جهان است؛ لذا زمان ظهور، وقتی خواهد بود که واقعاً مردم قابلیت پذیرش را در خود ایجاد کنند و حضرت را بخواهند و تا آخر، همراه او باشند.

۱۱. آیا تعدادی که به سیصد و سیزده نفر معروفند و از یاران خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند، همه، هم عصر زمان ظهور هستند، یا افرادی از سابق نیز میان آنان هستند؟

شاید در این که تعدادی از یاران گروه سیصد و سیزده نفری، از کسانی هستند که در عصر و زمان ظهور زندگی می کنند، جای تردید نباشد. در برخی روایات آمده است اینان کسانی هستند که شب در بستر خود ناپدید شده، پس صبح در مکه خواهند بود. آیه «أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا» (۱) در باره این گروه است. (۲)

این گونه روایات، متعدد است و از آن ها به خوبی می توان استفاده کرد که تعدادی از یاران، حتماً هم عصر زمان ظهورند.

از برخی روایات نیز استفاده می شود برخی از بزرگان روزگار گذشته، براساس مصالحی خاص، دوباره زنده شده و رجعت می کنند و در رکاب حضرت و از یاران آن بزرگوار می-شوند. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

۱- بقره: ۱۴۸

۲- غیبت نعمانی، ح ۳، ص ۴۳۴

با قائم علیه السلام از پشت کوفه _ یا کعبه _ بیست و هفت مرد خروج می کنند که عبار تند از: پانزده نفر از قوم حضرت موسی علیه السلام و هفت نفر از اصحاب کهف، و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانة انصاری و مقداد و مالک اشتر. پس نزد آن حضرت، از یاران و والیان هستند. (۱)

بنابراین، یاران قائم علیه السلام هم از افرادی هستند که هم عصر زمان ظهورند و هم از افرادی اند که قبل از زمان ظهور، زندگی کرده و از دنیا رفته اند.

۱۲. چرا بیشتر یاران حضرت مرد هستند؟

بنابر آنچه از روایات استفاده می شود، یاران حضرت را سه گروه تشکیل می دهند:

- سیزده و سیزده نفر یاران خاص که ابتدای ظهور، خدمت حضرت اجتماع می کنند؛

- لشکر و گروه ده هزار نفری که با اجتماع آنان، خروج صورت می پذیرد؛

- عموم شیعیان و ارادتمندان که در طول حرکت امام مهدی علیه السلام به آن حضرت ملحق می شوند.

اگر سخنی از پنجاه زن به میان آمده، مربوط به گروه اول است. از امام باقر علیه السلام در روایتی بلند نقل شده است:

«... قسم به خدا! سیصد و سیزده تن که در میان آنان، پنجاه زن هستند، در مکه اجتماع می کنند...» (۱)

طبیعی است که وقتی شمار زنان همراه با گروه اول، به این تعداد باشد، در گروه های بعد، بیشتر خواهد بود.

علاوه بر این، پرسش از کم بودن تعداد زنان نسبت به مردان میان یاوران حضرت، حرف صحیحی نیست؛ چرا که یآوری، نه فقط به معنای جنگیدن و سلاح بر کشیدن است؛ بلکه یار و یاور واقعی، کسی است که با همه وجود، در خدمت امام و اهداف او باشد و آنچه را که حضرت از او می خواهد، انجام دهد. در زمان غیبت و انتظار، به وظیفه یک منتظر واقعی آگاه باشد و آنچه را در این مدت شایسته است، انجام دهد. در زمان ظهور، گوش به فرمان و مطیع دستورهای او باشد و امر او را امتثال کند. مگر فاطمه زهرا و زینب

کبرا علیها السلام از یاوران پیامبر و امام زمان خود نبودند؛ در حالی که جنگ ظاهری با اسلحه نیز نداشتند؟ هر کس به تاریخ بنگرد، به خوبی به نقش بارز و بی بدیل آنان در یاری رهبر خود پی می برد. یاری رهبر در رساندن پیام او و مکتبش، بسیار ارزشمند است و اصولاً حرکت فرهنگی، پایه و اساس است؛ لذا در روایت، به علم و عالم و قلم او اشاره فراوان شده است: «مداد العلماء أفضل من دماء الشهداء» چرا که اگر یاری امام در بُعد فرهنگی و تبیین معارف دین او نباشد و مردم، از اهداف و برنامه های امام آگاه نباشند، طبعاً برای کمک به گسترش فرهنگ و مکتب او، سلاح به دست نمی گیرند. زنان در این عرصه مهم، به خوبی می توانند ایفای نقش کنند و یاری امام خود را در حدّ اعلا، اعلام و آشکار کنند.

در مواردی که یاری کردن، مربوط به حالت جنگ و قیام و جهاد باشد، طبیعی است که مردان باید فعال تر حضور داشته باشند؛ چرا که خداوند با توجه به ویژگی های جسمی و روحی زنان و مردان، وظایف و تکالیف را قرار می دهد و ویژگی ها و مشکلات

جنگ، به گونه ای است که نه با جسم زن سازگاری دارد و نه با روح او هم خوانی؛ لذا وظیفه جهاد، از دوش آنان برداشته شده است، مگر در زمان ضرورت.

از این مجموعه منتشر شده است:

- انتظار ۱. ضرورت طرح مباحث مهدویّت / روح الله شاکری
- انتظار ۲. پژوهشی عقلی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف / روح الله شاکری
- انتظار ۳. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن / مهدی یوسفیان
- انتظار ۴. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن / جمعی از محققان
- انتظار ۵. طلوع خورشید / مهدی یوسفیان
- انتظار ۶. رخدادهای ظهور / مهدی یوسفیان
- انتظار ۷. اندیشه مهدویّت و آسیب ها / محمدصابر جعفری
- انتظار ۸. مهدی ستیزان / محمدصابر جعفری
- انتظار ۹. پژوهشی درباره جزیره خضراء / مجتبی کلباسی
- انتظار ۱۰. جهانی شدن و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف / رحیم کارگر
- انتظار ۱۱. غیبت امام مهدی علیه السلام / مهدی یوسفیان
- انتظار ۱۲. شرایط ظهور / مهدی یوسفیان

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

